

بنياد فرهنگي كهزاد

صنایع مستظرفه اسلامي در نظر غربيان

اداره انجمن تاريخ افغانستان

صنایع مستظرفه اسلامی

در نظر غربیان

اداره انجمن تاریخ (سابق) بنیاد فرهنگی کهزاد

قرار اطلاعاتی که قبلاً در روزنامه انیس و رادیو نشر شده بود، شام روز پنجشنبه، 5 سرطان [1325] دوکتور «اتنگ هوزن» دانشمند امریکائی در موضوع «هنرهای زیبای اسلامی در نظر غربیان» سخنرانی بعمل آمد. ورود در محفل کنفرانس آزاد بود. بعضی او وزرا، بعضی از سفرا و نمایندگان دول اسلامی و عدئی از علاقه مندان داخلی و خارجی حضور بهم رسانیده بودند.

مقارن ساعت 2/91 شام آقای احمد علی خان کهزاد، رئیس موزه کابل، مدیر عمومی انجمن تاریخ کنفرانس دهنده را (دوکتور اتنگ هوزن) را به احضار معرفی نموده و سپس دوکتور مذکور سخنرانی خویش را شروع کرد.

دوکتور اتنگ هوزن در میان دانشمندان امریکائی در شناسائی صنایع مستظرفه اسلامی معروف است و سرپرستی شعبه اسلامی موزه «فریر» که «موزه ملی هنرهای شرقی» در امریکا شناخته شده به نامبرده تعلق دارد. دوکتور «اتنگ هوزن» در مؤسسه «سمتسونین» که مجمع مرکزی جمعی از موزه های ملی امریکا میباشد، عضویت دارد و در دانشگاه «میشیگان» به عنوان استاد متتبع شناخته شده است.

دوکتور «اتنگ هوزن» در خارج امریکا در میان جمعی از دانشمندان مغرب زمین بحیث ناشر نشریه مهمی بنام «آرت اسلامیکا» یعنی «هنرهای اسلامی» معروف شده است. این نشریه که از 1938 به اینطرف نشر میشود فقط برای تحقیقات علمی آثار هنرهای اسلامی تخصیص یافته و تا حال شانزده مجلد آن شایع شده است. مستر اتنگ هوزن مقالات متعددی در انگلیسی و جرمنی دارد که در مجلات علمی شرق شناسی و در ایره المعارف اسلامی و سروی صنایع ایرانی به طبع رسیده و برخی از آنها به زبان های عربی و فارسی هم ترجمه گردیده است.

دوکتور مذکور فعلاً در صدد انجام مسافرت یک ساله در ممالک اسلامی است و بعد از مصر، عراق و ایران وارد افغانستان شده و تا حال از مراکز مهم آثار و آبدات

اسلامی مملکت ما چون: هرات، لشکری بازار، بست، قندهار، غزنی و کابل دیده کرده و از شواهد اسلامی موزه کابل مخصوصاً از آثار قیمتدار عصر درخشان غزنوی عکس برداری نموده است.

اینک ترجمه خلاصه متن کنفرانس که خود دکتور به انجمن تاریخ سپرده است:

"نفوذ ادبیات فارسی و عربی بر شعرای مغرب زمین امری است معلوم که با تذکار آن اسمای «دانت»، «گویته» و «فتیزجرالد» بخاطر میگذرد. همین قسم نفوذ علم و حکمت اسلامی در افکار اروپائی در اوائل قرون وسطی طوری هویدا است که همگان از مراتب آن آگاهی دارند. علاوه بر نفوذ ادبی و علمی صنایع مستظرفه اسلامی هم در دیار مغرب تأثیری داشته و این تأثیر از خود تاریخچه هائی دارد که تا حال دانشمندان طوریکه باید بدان متوجه نشده اند و در اطراف چگونگی حسن استقبال غربی ها از آثار هنری اسلامی چیز زیاد نگفته اند.

با اینکه جهان قرون وسطی با تعلیمات عالیّه پیغمبر اسلام (ص) سخت مخالفت داشت و در دوره جنگهای صلیبی حکمفرمایان مغرب با حکمروایان اسلام در جنگ بودند، اختراعات ذوقی و هنری شرق قریب و شرق میانه خیلی مورد توجه غرب واقع شده و مقام با افتخاری احراز کرد. جعبه های منبت عاج و ظروف بلوری اسلامی مصری را مسیحیون برای نگهداری متبرکات مقدسین خود در کلیسا های معروف و دنیای مسیحیت بکار میبردند.

همین قسم آثار متبرکه دیگر را در پارچه بایی که در ایران یا در هسپانیه اسلامی ساخته میشد، میبپیدند. جامه های بسیار مزینی کا امپراتورهای رومن از قرن 12 به بعد حینتاج پوشی به بر میکردند محصول دست صنعتگران مسلمان جزیره سسیل بود و مبدأ ساخت آن را بکمال تبختر با خطوط عربی در حواشی آن تحریر میکردند. از اوائل قرن 14 به بعد در تصاویر قلمی، شبهه حضرت مریم را معمولاً روی تخت هائی میکشیدند که با قالی های شرقی فرش شده بود. به همین ترتیب بسیار تصاویر و تابلوهای دیگر در بین است که مجالس مذهبی مسیحی را روی این قبیل فرش های نفیس شرق نشان میدهد.

مهمترین مظهر نفوذ صنایع مستظرفه اسلامی بر دنیای غرب استعمال دائمی رسم الخط های زیبای عرب بود که بصورت واضح یا در لفافه تزئینات از قرن 11 تا قرن 16 دوام داشت.

حروف کوفی با ترکیبات مختلف خود بحیث چوکات تصاویر مذهبی و بحیث نمونه تزئینات برای البسه حضرت مریم و سائر مقدسین استعمال میشد و حتی در هاله های نور گرد صورت شخصیت های مذهبی مورد استعمال داشت و نشانه مراتب قدسیت آنها بشمار میرفت.

در بعضی از موارد آثار هنری مسلمانان از نقطه نظر فن ساخت به مراتب از آثار شبیه خود در دنیای مغرب برتری داشت و غریبان تفوق آثار اسلامی را دیده و فوراً از آن تقلید میکردند. بطور مثال غربی ها اوراق کتب را در میان وقایه های سنگین چوبی حفظ میکردند و استعمال وقایه های مقوی را از مسلمین فرا میگرفتند. همین قسم استعمال لعاب را روی ظروف گلی از مصر و ایران آموختند و این روش را نه تنها مورها یا عرب های هسپانیا بلکه هنروران مسیحی این مملکت هم تقلید کردند و با ایشان این فن در میان هنرمندان دوره رنسانس ایتالیا معمول شد و به سائر کشورهای اروپا و احتمالاً به امریکا سرایت نمود. قدرت نفوذ هرهایاسلامی اروپا و مغرب زمین از این هم معلوم میشود که حتی در دوره رونیسانس که تمایل شدید به احیای مآثر آثار کلاسیک قدیم پیدا شده بود روش تزئینات اسلامی طوری معمول بود.

/مجله آریانا، شماره 62، اول حوت 1326، کابل//نشر مجدد جنوری 2012، بنیاد
فرهنگی کهزاد/